MEJDS. 2021; 11:42.

Published online 2021 June. **Research Article**

Jurisprudential Study of Use, Leading to Loss of Embryonic Stem Cells in Preventive Studies and Treatment of Disability

Javar H[1], *Mousavi Vaez SR[2]

Author Address
1. Assistant professor of the Academic Board of Tehran University, Farabi Campus, Qom, Iran;
2. MSc of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Farabi Campus of the University of Tehran and a student of the fourth level of the seminary of Qom, Qom, Iran.
***Corresponding Author E-mail:** reza.musavi.vaez@ut.ac.ir

Received: 2017 February 25; **Accepted:** 2019 February 10

Abstract

Background & Objectives: This paper aimed to investigate the jurisprudence of various uses of embryonic stem cells that cause fetal death. Fetuses, i.e., prepared through Vitro by in vitro fertilization and maintained frozen were considered. In this article, Shiite jurisprudence was examined in the context of preventive studies as well as the treatment of the relevant disability.

Methods: Based on the accepted propositions in the Qur'an, Sunnah, reason, and consensus in Shiite jurisprudence and principles, possible challenges, and dissenting opinions on issues, such as prevention, abortion, and other related concepts extracted from jurisprudential sources were reviewed.

Results: The obtained data provided divisions for a better understanding of the rules of Sharia and the acceptance of the prohibition of intentional extermination of the fetus at each stage of its development in the mother's womb, as well as the sanctity of using fertilization for insemination.

Conclusion: By rejecting the alleged reasons for the sanctity of use, leading to the loss of the fetus, based on the principle of innocence, it is impermissible to use a fertilized fetus outside the uterus for sexual purposes. Besides, it has been proved that it is impossible to maintain it until becoming a human.

Keywords: Fetal loss, Stem cells, Embryonic stem cells.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.7.6]

[DOI: 10.29252/mejds.0.0.7]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۴۰۰؛ (۱۱):۴۲.

انتشار برخط خرداد ۱۴۰۰ مقاله تحقیقی

بررسی فقهی استفادهٔ منجربه تلف از سلول‌های بنیادی جنین در مطالعات پیشگیرانه و درمان ناتوانی

حسین جاور[۱]، *سیدرضا موسوی واعظ[۲]

توضیحات نویسندگان

۱. استادیار دانشگاه تهران پردیس فارابی، قم، ایران؛

۲. کارشناسی‌ارشد فقه و مبانی حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران و طلبهٔ سطح چهار حوزهٔ علمیهٔ قم، قم، ایران.

*رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول: reza.musavi.vaez@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۷ اسفند ۱۳۹۵؛ **تاریخ پذیرش:** ۲۱ بهمن ۱۳۹۷

چکیده

زمینه و هدف: این مقاله با هدف بررسی فقهی استفاده‌های متنوع منجربه تلف از سلول‌های بنیادی جنین که به روش‌های لقاح خارج از رحم تهیه و به‌صورت فریزشده نگهداری می‌شود در مطالعات پیشگیرانه و درمان ناتوانی، از نظر فقه شیعه نگارش شد.

روش‌بررسی: با استناد به گزاره‌های پذیرفته‌شده در قرآن، سنت، عقل و اجماع در فقه و اصول شیعه، چالش‌های محتمل و آراء مخالف در مسائلی مثل جواز عزل و سقط جنین و دیگر مفاهیم مرتبط، از منابع فقهی استخراج و نقد و بررسی شد.

یافته‌ها: تقسیماتی برای فهم بهتر اطلاق احکام انسان و پذیرش ممنوعیت تلف عمدی جنین در هریک از مراحل رشد آن در رحم مادر و نیز حرمت لقاح با هدف تلقیح صورت گرفت.

نتیجه‌گیری: با نفی ادلهٔ ادعاشده در تحریم استفادهٔ منجربه تلف از جنین با استناد به اصل برائت جواز استفاده از جنین لقاح‌یافته در خارج از رحم که با هدف تناسلی انجام گرفته و امکان عملی حفظ آن تا تبدیل‌شدن به انسانی وجود نداشته، ثابت شده است.

کلیدواژه‌ها: اتلاف جنین، سلول‌های بنیادی، بن یاخته‌های رویان.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.7.6]

[DOI: 10.29252/mejds.0.0.7]

۱ مقدمه

سلول‌های بنیادی[1] توانایی نوزایی ذاتی و ایجاد سلول‌های تمایزیافته را دارند (۱). گفته شده است که سلول بنیادی موجود در بافت‌های غیرجنینی می‌تواند تنها انواع محدودی از سلول‌ها را ایجاد کند؛ درحالی‌که سلول‌های جنینی قادر است همهٔ سلول‌ها شامل سلول‌های جنین و سلول‌های جفت آن را بسازد؛ مثل بلاستومرهای جنین دوسلولی که می‌تواند تبدیل به انسانی کامل شود (۲).

این سلول‌ها پتانسیل تشکیل تراتوکارسینوما و نیز تمایز در محیط آزمایشگاهی را دارد. هریک از این سلول‌ها می‌تواند کلونی تشکیل دهد و با تمایز از هم، دارای قابلیت تولید مشتقات سه لایهٔ زایندهٔ اکتودرم و مزودرم و اندودرم است (۲). سلول‌های بنیادی جنینی در مطالعات زیست‌شناسی تکوینی، توان‌بخشی با پیوند اعضا، توسعهٔ داروسازی و شناخت ناهنجاری‌ها اهمیت به‌سزایی دارد (۱)؛ ازاین‌رو بسیار تحت رغبت محققان و پژوهشگران رشته‌های مختلف علوم تجربی قرار گرفته است.

یک‌هدف بسیار مهم از تحقیق بر سلول‌های بنیادی جنینی تکوین سلول‌های تخصصی نظیر نورون‌ها، سلول‌های عضلانی قلب، اندوتلیال عروق، سلول‌های مولد انسولین و نظایر آن است (۳)؛ بنابراین تحقیقات هدف‌مند بر سلول‌های بنیادی جنینی با پتانسیل فراوانی که در ترمیم و جایگزینی سلول‌ها و بافت‌های آسیب‌دیده و پیشرفت درمان‌های نو به‌خصوص درعرصهٔ توان‌بخشی داشته، بسیار حیاتی به‌نظر می‌رسد (۳).

چنان‌که برخی بیان کرده‌اند ازجمله مزایای سلول‌های بنیادی جنینی درمقایسه با منشأهای دیگر سلول‌های بنیادی مثل بندناف، توانایی تقسیم نامحدود آن‌ها در محیط آزمایشگاهی و تمایز بسیار و امکان انجماد طولانی‌مدت است (۴)؛ به‌طوری‌که اشتیاق محققان را برای مطالعهٔ گسترده بر آن‌ها فزونی می‌بخشد.

محققان با مطالعهٔ نمونه‌های حیوانی اثبات کرده‌اند که پیوند سلول‌های بنیادی جنینی در درمان موفق بسیاری از بیماری‌های مزمن نظیر پارکینسون، دیابت و آسیب نخاعی، دیستروفی ماهیچه‌ای، نقصان کبدی یا قلبی و امراض استخوانی تأثیرگذار است (۵،۶).

به برکت پیشرفت علمی و عملی در مطالعات ناتوانی و درمان ازطریق پیوند انسانی مشکلات فراوانی حل شده است؛ اما موانع بسیاری در کاربرد وسیع پیوند اعضا تحت این موقعیت، همچون داروهای مختل‌کنندهٔ سیستم ایمنی برای جلوگیری از پس‌زدن بافت پیوندی و نیز محدودیت اهداکنندگان عضو وجود دارد (۴). سلول‌های بنیادی جنینی منبع نامحدود و دردسترسی است که علاوه‌بر امکان تغییر ژنتیکی در آن، امکان تولید هر سلول یا بافت دلخواه را فراهم می‌آورد؛ ازاین‌رو گفته می‌شود تحقیقات بر سلول‌های بنیادی جنینی دانش توان‌بخشی، زیست‌شناسی تکوینی، داروشناسی و بسیاری علوم دیگر را متحول خواهد کرد (۷).

موضوع استفاده از جنین در تحقیقات آزمایشگاهی ضمن اهمیت آن در پیشرفت‌های علمی در پیشگیری و درمان ناتوانی، از نظر فقهی نیز مسائل خاص خود را دارد؛ زیرا به‌دلایل اصولی و علمی مراحل و دوران‌های خاصی را طی می‌کند که از نظر فقهی دارای آثار خاصی بوده و تفکیک این مراحل و موضوعات آن و درنتیجه تعیین تقویمی فقهی برای استخراج حکم حاصل از مباحث شرعی، ضروری است.

محقق و پژوهشگر علوم تجربی در فرایند تحقیقی خود در چند مرحله با محدودیت‌ها و هنجارهای فقهی روبه‌رو می‌شود که بررسی دقیق قواعد و احکام هریک قبل از قانون‌گذاری حقوقی و اقدام عملی ضرورت دارد. بدیهی است ازیک‌سو بی‌توجهی به قوانین شرع درخصوص اخلال در اکوسیستم طراحی‌شدهٔ خالق بی‌همتا و زیان‌های جبران‌ناپذیر اخلاقی و اجتماعی و ازسوی‌دیگر سخت‌گیری غیرعالمانه، عقب‌افتادگی علمی را در پی خواهد داشت. به‌همین دلیل بررسی بی‌تعصب ادلهٔ فقهی و بحث تخصصی و فنی هر مرحله ضروری است. این توضیح لازم است که پژوهش حاضر صرف‌نظر از ادلهٔ ثانوی بوده که امکان دارد براساس آن حکم به ممنوعیت و عدم جواز کرد؛ مانند اینکه اثبات شود ضررهای درخورتوجه و عوارض جانبی در هر مرحله وجود دارد که حکم آن در فقه روشن است و نیاز به تذکر ندارد.

با توجه به موارد که گفته شد، هدف این پژوهش بررسی فقهی استفاده‌های متنوع منجربه تلف از سلول‌های بنیادی جنین که به روش‌های لقاح خارج از رحم تهیه و به‌صورت فریزشده نگهداری می‌شود در مطالعات پیشگیرانه و درمان ناتوانی، از نظر فقه شیعه بود.

۲ روش بررسی

با استناد به گزاره‌های پذیرفته‌شده در قرآن، سنت، عقل و اجماع در فقه و اصول شیعه، چالش‌های محتمل و آراء مخالف در مسائلی مثل جواز عزل و سقط جنین و دیگر مفاهیم مرتبط، از منابع فقهی استخراج و نقد و بررسی شد.

مراحلی که پژوهشگران معمولاً با آن‌ها در ارتباط‌اند در ذیل قید می‌گردد.

ـ موضوع اول ـ مرحلهٔ تحصیل: پژوهشگر در این مرحله به‌دنبال استحصال سلول جنسی برای تلقیح آن و به‌وجودآوردن جنینی حاوی سلول‌های بنیادی است. به‌یمن پیشرفت عمومی کشور در تأسیس مراکز رویان و کثرت مراکز درمانی ناباروری که با هدف تولیدمثل این کار را انجام می‌دهند و وفور بسته‌های اضافی تلقیح‌شده، محقق از تحصیل مستقل این سلول‌ها برای اهداف تحقیقاتی خود بی‌نیاز است؛ اما در مواقعی پژوهشگر ترجیح می‌دهد نمونه‌های تحقیق خود را مستقیماً و با رعایت امور خاص مطالعهٔ خویش فراهم آورد که در این صورت مواجه می‌شود با سلولی که به‌عنوان عضو متعلق به یک‌انسان، تحت تدقیق فقهی قرار گرفته است و بدین‌جهت اکثراً ضوابط تنظیم‌شده در این باره، مربوط به تکلیف شخص صاحب سلول‌ها و پژوهشگر نمونه‌بردار است. مختصات فقهی ویژه، به‌طور عمده درگیر با نظام بشری یا تشریعی نیز در این میان مطرح است.

بیشتر مباحث مربوط به این مرحله شامل اهدا یا خرید و فروش، داشتن یا نداشتن جنبهٔ مالی، چگونگی تحصیل این سلول‌ها بدون مصادف‌بودن با حرام (مثل آنکه برای انجام نمونه‌برداری مرتکب لمس و نظر حرام شود) و تصرف یا نبود تصرف در فروج است.

[1]. stem cells

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.7.6]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.7]

ـ موضوع دوم ـ مرحلهٔ لقاح و ایجاد رویان: مباحث جدی‌تر مربوط به جنین آزمایشگاهی در این مرحله از روند تحقیقات مطرح می‌شود؛ چراکه صرف‌نظر از رویکرد شارع دربارهٔ آغاز حالت جنینی یا قابلیت بقا، عمدتاً تلقی عرفی و حتی علوم زیستی از این مرحله، شروع یک‌انسان با آثار و احکام تکلیفی و وضعی وی است.

لذا در این مرحله مباحث مربوط به جواز یا عدم جواز، شرایط آن، کیفیت ایجاد سلول نخستین جنین (طبیعی یا به‌صورت انتقال سلول جنسی) و غرض از انجام لقاح که می‌تواند مانند مقاصد تحقیقاتی با هدف درمان یا توان‌بخشی و پیشگیری از ناتوانی، مشروع یا مثل تحقیق برای شبیه‌سازی انسان نه برای مقاصد درمانی بلکه تناسلی که از دیدگاه برخی نامشروع بوده، وجود دارد (۸).

ایجاد رویان صرفاً برای تحقیقات یا استفاده از سلول‌های بنیادی از این جهت که سلول‌های لقاح‌یافته در مواقعی مثل به‌کارگیری به‌عنوان سلول‌های بنیادی در فرایند درمانی و توان‌بخشی منجربه تلف آن‌ها می‌شود از دو منظر فقهی تأمل‌برانگیز است؛ نخست آنکه لقاح به‌منظور دیگری جز تناسل و تولیدمثل مشروع است یا نه؟ و دوم در مرحلهٔ استفاده از آن چون مساوی با تلف موجودی می‌باشد که قابلیت تبدیل‌شدن به انسان را داشته، از نظر احکام اسلامی چگونه است؟

ـ موضوع سوم ـ مرحلهٔ استفاده از سلول‌های بنیادی: در این بخش که مرحلهٔ پرچالش‌تر درگیری پژوهشگر با بایسته‌های شرعی است، ازآنجاکه او با استفاده از سلول‌های جنین به‌عنوان بن یاخته، آن را از ماهیت اصلی خارج کرده و موجب تلف آن می‌شود، شبهاتی درجهت تضاد با اخلاقیات و احکام شرع وجود دارد که بررسی دقیق ادلهٔ ممنوعیت، حیطهٔ قانونی فرایند تحقیقاتی را مشخص می‌کند.

موضوع چهارم ـ شأنیت تبدیل‌شدن به انسان: نخستین ادعا برای حکم به حرمت دستبرد به سلول‌های بنیادی جنین، تلف موجودی است که شأنیت تبدیل‌شدن به انسانی کامل را دارد؛ بنابراین باید معلوم شود تشخّص شروع یک‌موجود انسانی که قابلیت اعطای شخصیت از نظر شرعی را داشته، کدام مرحله است. برخی از بدو شکل‌گیری و تشکیل جنین، آن را موجودی زنده و در حال تکامل می‌دانند (۹). ازسوی‌دیگر عده‌ای هم اعطای شخصیت انسانی را تا آغاز ولادت به‌تأخیر می‌اندازند. براساس این دیدگاه، جنین تا قبل از تولد از حق زنده‌ماندن نیز برخوردار نیست. به‌گفتهٔ جودیث تامسون نظریه‌پردازان یهودی امروز بر این نظریهٔ منسوخ اعتقاد دارند (۷).

۳ بحث

در اینکه تحصیل سلول‌های جنسی انسان برای اهداف تحقیقاتی چه ازطریق خودارضایی طبیعی و چه با استفاده از دستگاه‌های کمکی نظیر ویبراتور ممنوع بوده، اختلافی بین فقها نیست. فقهای شیعه برای استدلال به حرمت آن به عموم آیات حفظ فروج (مثل آیات ابتدایی سورهٔ مؤمنون) استدلال فرموده‌اند و می‌توان گفت در این خصوص اجماع است (۱۰). عناوین ثانویه مثل اضطرار و عسروحرج نیز مجرایی برای حکم به حلیت با اهداف تحقیقاتی ندارد؛ مگر آنکه هدف از پژوهش درمان بیماری جدی شخص اهداکننده باشد.

پژوهشگر می‌تواند برای به‌دست‌آوردن سلول‌های جنسی از اهداکنندهٔ نمونه بخواهد با نزدیکی منقطع با همسر شرعی خود اقدام کند یا از عمل جراحی برای نمونه‌برداری با دو شرط انتفای لمس و نگاه حرام و عدم ضرر معتنابه استفاده نماید.

در پاسخ به موضوع دوم باید گفت احکام و ادلهٔ شرعی بر فرضی که لقاح غیرتناسلی همراه با فعل حرامی مثل آمیزش، ارضا، لمس و نظر حرام نباشد، درمقابل آن ساکت بوده و با تمسک به قاعدهٔ قبح عقاب بلا بیان و مجرای اصل اباحه (یا برائت) و محکوم به حلیت خواهد بود (۱۱)؛ علاوه آنکه نطفهٔ ملقّحه در محیط آزمایشگاهی فرقی با غیرملقحه ندارد و در حکم همان است و تلف آن تا قبل از لانه‌گزینی در رحم به‌منزلهٔ عزل می‌باشد که فقها عمدتاً قائل به جواز آن هستند و روایاتی نیز که در باب تجویز عزل در وسائل‌الشیعه آمده، ناظر به همین است (۱۲)؛ بنابراین محقق درخصوص تلقیح دو سلول جنسی در محیط آزمایشگاهی می‌تواند جنینی را تولید کرده و با شرایطی که در مرحلهٔ استفاده توضیح داده خواهد شد آن را به مصرف پژوهش خود برساند؛ بی‌آنکه مرتکب حرامی شده باشد. البته شکی نیست که استفاده از سلول جنسی بدون رضایت صاحب آن مخالف قاعدهٔ تسلط و ممنوع است؛ مگر آنکه از اسپرم‌های مجهول استفاده شود.

از این گذشته در اینکه آیا محققی می‌تواند از زوج شرعی، تقاضای انعقاد طبیعی نطفه کند و با توافق ایشان قبل از دمیدن روح، جنین حاصل را برای کاربردهای پژوهشی یا استفادهٔ منجربه تلف از سلول‌های بنیادی آن، از رحم خارج نماید، مبتنی‌بر جواز یا حرمت سقط جنین است و فی‌نفسه دلیلی بر حرمت هدف غیرتناسلی از تلقیح وجود ندارد؛ ازاین‌رو نمی‌توان حکم به حرمت آمیزش با همسر شرعی برای تلقیح با هدفی خاص داد.

در باب موضوع چهارم درحالی‌که این پندار، دارای ضدیت جدی با یافته‌های علمی و بدیهیات علوم تجربی است که جنین پس از ولوج روح هیچ‌تفاوتی با انسان زنده ندارد (۹).

قرآن کریم (مؤمنون/۱۲ و ۱۳ و ۱۴)، دوران جنینی انسان را در شش مرحله تبیین کرده و مرحلهٔ متمایز ششم را نقطهٔ عدم و خلقت دوباره نامیده است: «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ طين. ثُمَّ جَعَلْناهُ نُطْفَةً فی قَرارٍ مَكين. ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظاماً فَكَسَوْنَا الْعِظامَ لَحْماً ثُمَّ أَنْشَأْناهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقينَ».

ترجمهٔ آن عبارتست از: و یقیناً ما انسان را از [عصاره و] چکیده‌ای از گِل آفریدیم. سپس آن را نطفه‌ای در قرارگاهی استوار [چون رحم مادر] قرار دادیم. آنگاه آن نطفه را علقه گرداندیم؛ پس آن علقه را به‌صورت پاره‌گوشتی درآوردیم؛ پس آن پاره‌گوشت را استخوان‌هایی ساختیم و بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم، سپس او را با آفرینشی دیگر پدید آوردیم؛ پس همیشه سودمند و با برکت است خدا که نیکوترین آفرینندگان است (ترجمه: انصاریان).

بنابراین می‌توان گفت که ظهور شخصیت انسانی از این مرحله آغاز می‌شود. بر همین اساس فقهای مذاهب اسلامی سقط جنین را در این مرحله به‌مثابهٔ قتل نفس دانسته‌اند و حتی در صورت وجود خطر جانی برای مادر، سقط جنین بعد از ولوج روح را به‌آسانی نپذیرفته‌اند؛ حتی اگر متکون از زنا باشد (۱۳)؛ البته نافی این مطلب هم نیست که نظریه‌پردازان شیعه، نطفه را از آن هنگام که در مسیر بروز و ظهور حیات

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.7.6]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.7]

انسانی قرار گرفت، دارای حقوقی دانسته و سقط بی‌دلیل جنین را حرام و مستوجب کفاره و دیه برشمرده‌اند. استدلال ایشان این است که سهم‌الارث جنین در این مرحله، تعیین شده و از پدرش ارث می‌برد (۸،۱۴).

بنابراین برداشت و استفادهٔ جنین سالمی که تهدیدی بر جان مادر نیست حتی به بهانهٔ خدمت به علم و به‌کارگیری مفید از سلول‌های بنیادی آن در درمان بیماری یا توان‌بخشی به ناتوان توجیه نمی‌شود و مصداق سقط عمدی جنین و در تضاد با مصالح پذیرفته‌شدهٔ اخلاقی و عرفی و درنتیجه حرام شرعی است.

در همین حال جنین لقاح‌یافته در خارج رحم ازآنجاکه کشت و نگهداری بسته‌های اضافی تلقیح‌شده در مراکز ناباروری تا تولد یک‌انسان که مساوی با تولید انبوه انسان بوده، منجربه عسروحرج جدی یا عرفاً غیرممکن است هدر و نابودی آن جایز شمرده می‌شود؛ بنابراین استفادهٔ مفید برای تحقیقات یا به‌کارگیری سلول‌های بنیادی موجود درمعرض تلف، به‌طریق اولویت جایز است.

تنقح مناط ادلهٔ سقط جنین: آیات متعددی از قرآن کریم در بحث از حرمت سقط جنین تحت استناد قرار گرفته است. آیاتی که به‌طورکلی حرمت قتل نفس را بیان می‌دارد؛ نظیر آیهٔ ۳۲ سورهٔ مائده، آیهٔ ۱۵۱ سورهٔ انعام، آیهٔ ۲۹ سورهٔ نساء و آیهٔ ۶۸ سورهٔ فرقان. برخی برمبنای این آیات، سقط جنین را یکی از مصادیق قتل نفس دانسته‌اند (۱۳،۱۵).

دلالت این آیات بر سقط عمدی جنینی بعد از ولوج روح واضح است و با عموم خود نیز ملاک کلی به‌دست می‌دهد که نابودی عمدی جنین را در هر زمان از عمر او ممنوع می‌کند؛ لکن همهٔ آیات و روایات این باب منصرف به جنین در رحم است نه استفاده و تلف نطفهٔ ملقّحه خارج از رحم که قبل از کشت در رحم امید به رشد و بقای آن نیست.

شاید اشکال شود در صورت پیشرفت‌های علمی احتمال دارد امکان پرورش نطفه تا زمان ولوج روح ممکن شود. در این حالت چگونه می‌توان بین نطفهٔ خارج رحم و داخل رحم تفاوت قائل شد؟

پاسخ این است: هر دلیلی که به استناد آن عزل نطفه را جایز می‌دانیم دربارهٔ نطفهٔ ملقّحه که اکنون نام جنین بر آن نهاده‌اند نیز صادق بوده و اگر قابلیت تبدیل‌شدن به انسان و شأنیت بقا و تولید انسان صرفاً منجربه حکم به وجوب حفظ آن شود، باید عزل و هدر نطفه را با امکان حفظ آن به‌وسیلهٔ انجماد و ابزار پزشکی واجب دانست؛ حال آنکه کسی ملتزم به این مطلب نیست.

بنابراین حفظ نطفهٔ ملقّحه خارج از رحم دلیلی بر وجوب حفظ و پرورش یا کاشت آن در رحم نخواهد داشت؛ پس محقق می‌تواند سلول‌های بنیادی آن را در هر جهتی که می‌خواهد مصرف و حتی آن را نابود کند.

دخل و تصرف در شئون مربوط به خالق: سوم به مصداق آیهٔ کریمهٔ «وَ لَاتَقْفُ مَا لَیسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ» (سورهٔ اسراء، آیهٔ ۳۶)، دخالت بی‌جای انسان در اموری که مربوط به شئون الهی بوده و انسان‌ها حق دخالت در آن را نداشته، نهی شده است؛ بنابراین کسانی که به‌وسیلهٔ استفادهٔ ابزاری از نطفهٔ ملقحهٔ خارج از رحم، در مقام دخل و تصرف در شئون الهی برآمده، مرتکب گناه شده‌اند.

این موضوع را می‌توان چنین نقد کرد که نخست بر فرض برداشت چنین معنایی از آیه، اینکه استفادهٔ منجربه تلف از نطفهٔ لقاح‌یافتهٔ خارج از رحم از شئون الهی بوده، ثابت نیست تا کبرای کلی قضیه بر آن صادق باشد؛ ضمن آنکه چنین استفاده‌هایی نوعاً درجهت خدمت به مخلوقات الهی است و بر هدر و اتلاف آن فضیلت دارد.

ازسوی‌دیگر دخل و تصرف در مخلوقات الهی مثل تخریب کوه یا جابه‌جایی ابر تصرف در شئون الهی نه بما هو شارع است و نه بما هو خالق و عزل نطفه یا ترکیب شیمیایی دو عنصر یا تلقیح دو سلول و استفاده از آن در مصارف علمی یا درمانی نیز هرگز مصداق دخالت در شئون الهی نیست.

تعیین دیه در روایات: روایتی از محمدبن‌یعقوب به اسنادش از امیرمؤمنان علی(ع) نقل شده است که آن حضرت فرمود: «دیهٔ منی مرد تا زمانی‌که به جنین تبدیل شود، پنج جزء است... .» (۱۲). گروهی از فقها، ازجمله محقق حلی نیز مطابق مضمون همین روایت فتوا داده‌اند (۱۶).

از ابی‌عبداللّه(ع) نقل شده است که فرمود: «در نطفه بیست دینار، در علقه چهل دینار، در مضغه شصت دینار و در [جنین دارای] استخوان هشتاد دینار [دیه] است و اگر گوشت بر استخوان رویید، صد دینار و تا وقتی‌که به‌دنیا آید، دیه‌اش همین صد دینار است؛ اما پس از به‌دنیاآمدن، دیه‌اش کامل است... .» (۱۲).

اسحاق‌بن‌عمار می‌گوید: «به ابی‌الحسن(ع) گفتم: زنی از بارداری می‌ترسد؛ دارویی می‌نوشد و بچه‌اش را می‌اندازد. [آیا این عمل جایز است؟] امام فرمود: نه. گفتم: آنچه می‌اندازد نطفه است. فرمود: اولین چیزی که خلق می‌شود، نطفه است.» (۱۲).

صاحب وسائل، قول به تحریم را اختیار کرده است؛ زیرا این گفتار را «باب حرمت نوشیدن دارو از سوی زن به‌منظور انداختن حمل، گرچه نطفه باشد» نامیده است؛ گرچه در این باب، بیش از یک‌حدیث نقل نمی‌کند (۱۲).

صرف‌نظر از کیفیت سندی این دسته روایات و حدود و ثغور حجیت آن‌ها، تعیین دیه در این روایات مربوط به دورهٔ پس از لانه‌گزینی و قرارگرفتن در روند طبیعی رشد جنین در رحم مادر است؛ حال آنکه فرض استفاده از جنین لقاح‌یافته در خارج از رحم پیش از لانه‌گزینی است. روایات مربوط به تعیین دیه برای نطفه نیز حمل بر استحباب شده است؛ علاوه آنکه تعیین دیه برای تلف ملازمه‌ای با حرمت آن ندارد.

ادلهٔ حرمت عزل: چندین روایت صحیح، عزل را جایز شمرده است. در بعضی از روایات تعبیر به کراهت شده که ممکن است کراهت اعم‌از حرمت و کراهت اصطلاحی باشد؛ ولی فقها آن را حمل بر کراهت اصطلاحی کرده‌اند؛ بنابراین مبادرت به عزل با عدم اذن و عدم اشتراط حین عقد مکروه است. ادلّهٔ اقامه‌کردهٔ قائلان به حرمت عزل، عبارت است از: الف: اجماع؛ ب: روایات؛ ج: احتیاط؛ د: ثبوت و وجوب دیهٔ نطفه به‌سبب عزل. درمجموع با رجوع به ادلّه و مبانی دینی و اقوال فقها، جواز عزل برداشت می‌شود. حتی غالب اهل سنت قائل به جواز عزل شده و نهایتاً این عمل را مکروه می‌دانند و ادلّه‌ای که بر حرمت عزل اقامه‌شده، مخدوش است؛ ضمن آنکه حرمت عزل ملازمه‌ای با حرمت تلف جنین‌های متعدد خارج از رحم که با استناد به عسروحرج

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.7.6]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.7]

و عناوین ثانوی حکم به جواز هدر آن شده، ندارد.

۴ نتیجه‌گیری

استخراج نطفهٔ منعقده از رحم مادر در حکم سقط جنین است و اهداف تحقیقاتی آن را توجیه نمی‌کند؛ اما جنینی که از تلقیح خارجی حاصل شده بر فرض آنکه نگهداری و رشد آن توسط تکنیک‌های علمی ممکن فرض شود، تا آن زمان که نطفهٔ منعقد یا پاره‌ای گوشت است به‌دلیل عدم صدق انسان، به‌مثابهٔ هریک از اندام‌های قطع‌شده از بدن انسان مثل قرنیه یا کلیه بوده و وجود نبض و ضربان نیز عنوان آن را عوض نمی‌کند؛ چنان‌که قلب یا هر عضو مقطوع انسان ممکن است تا مدتی نبض داشته باشد؛ بنابراین ازآنجاکه هنگام شک در تکلیف و شبهات حکمیه اعم‌از وجوبیه یا تحریمیه باشد، ادلّهٔ برائت عقلی و نقلی جاری می‌شود و باتوجّه به هنگامی‌که مأیوس از علت قطعی بر حرمت شدیم مجرای اصاله الاباحه و حکم به حلیت است؛ دلیلی بر حرمت استفادهٔ منجربه تلف از جنین خارج از رحم پیش از انتقال آن به رحم با اجازهٔ صاحب آن وجود ندارد.

بنابراین استفاده‌های تحقیقاتی و پژوهشی یا به‌کارگیری سلول‌های بنیادی در درمان یا اقدامات پیشگیرانه از ناتوانی محدودیت شرعی ندارد. این تا زمانی است که بر فرض امکان و دستیابی علم، جنین از نظر اجزاء به شکلی در نیامده باشد که صدق عنوان انسان بر او ممکن شود؛ در این صورت حتی با عدم حلول روح حکم به جواز منع از رشد عادی تا تبدیل‌شدن به انسانی کامل بعید است. گرچه این فرض تاکنون تحقق خارجی پیدا نکرده است و حکم به جواز استفادهٔ منجربه تلف از سلول‌های بنیادی جنین در روزهای نخستین که مورد بحث و دارای ثمرات متعدد فعلی و عملی بوده، با شرایط آن دارای حرمت شرعی نیست.

۵ تشکر و قدردانی

از هیئت تحریریهٔ مجلهٔ مطالعات ناتوانی که بستر ارائهٔ مقالات میان‌رشته‌ای مرتبط با فقه و حقوق را فراهم آورده‌اند، کمال تشکر را داریم.

۶ بیانیه

نویسندگان اعلام می‌دارند تضاد منافعی در این پژوهش وجود نداشت.

References

1. Smith AG. Embryo-derived stem cells: of mice and men. Annu Rev Cell Dev Biol. 2001;17:435–62. doi: 10.1146/annurev.cellbio.17.1.435
2. Wagers AJ, Weissman IL. Plasticity of adult stem cells. Cell. 2004;116(5):639–48. doi: 10.1016/s0092-8674(04)00208-9
3. Odorico JS, Kaufman DS, Thomson JA. Multilineage differentiation from human embryonic stem cell lines. Stem Cells. 2001;19(3):193–204. doi: 10.1634/stemcells.19-3-193
4. Shamblott MJ, Axelman J, Littlefield JW, Blumenthal PD, Huggins GR, Cui Y, et al. Human embryonic germ cell derivatives express a broad range of developmentally distinct markers and proliferate extensively in vitro. Proc Natl Acad Sci USA. 2001;98(1):113–8. 10.1073/pnas.021537998
5. Wichterle H, Lieberam I, Porter JA, Jessell TM. Directed differentiation of embryonic stem cells into motor neurons. Cell. 2002;110(3):385–97. doi: 10.1016/s0092-8674(02)00835-8
6. Kim J-H, Auerbach JM, Rodríguez-Gómez JA, Velasco I, Gavin D, Lumelsky N, et al. Dopamine neurons derived from embryonic stem cells function in an animal model of Parkinson's disease. Nature. 2002;418(6893):50–6. doi: 10.1038/nature00900
7. Baharvand H, Kazemi AS. Embryonic stem cells: Concepts and potentials. Cell Journal (Yakhteh). 2005;7(3):178–93. [Persian] https://celljournal.org/journal/article/fulltext/embryonic-stem-cells-concepts-and-potentials.pdf
8. Moosavy Sabzevari SA. Al–Aistinsakh byn Altaqnyt wa Al–Tashry. Qom: Daftar Ayatollah Ozma Sayyed Abd al-Ali Musawi Sabzwari Publication; 2002. pp:1423. (vol 2). [Arabic]
9. Kharazi SM. Control jameiat va aghim sazi [Population control and sterilization]. Journal of Fiqh Ahl al–Bayt. 2001; (22):31–58. [Persian]
10. Al-Shaykh al-Tusi. Al–Mabsut fi fiqh al–Imamiyya. Tehran: Al–Maktabat al–Murtadawiyya; 1967, pp:242. (vol 4). [Arabic]
11. Ansari M. Fara'id al-Usul. Qom: Majma al–Fekr Publication; 1999, pp:17–20. (vol 2). [Arabic]
12. Shaikh al–Hur al–Aamili. Wasā'il al-Shīʿa. Qom: Al-Albayt Publication; 1993, pp: 312–3. (vol 29). [Arabic]
13. Khomeyni SR. Tawz ihulmasael with Fatva by: Khuei Golpaygani Araki Fazel Tabrizi Sistani Khamenei Safi Makarem .Qom;2007.
14. Khuei SA. The principles of the storongest way route in science and jurisprudence. Najaf. Alnoman. 1986,pp: 47-50.
15. Eslamjoo Langerudi H. Your Question & Answers of Bahjat. Qom: Akharin Vasy Publication; 2007, pp: 74. [Persian]
16. Hilli J. Shara'i ul-Islam. Qom: Ismailian Institute Publication; 1988, pp: 264. (vol 2). [Arabic]

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.7.6]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.7]